

چهارچوب



ماموران مخفی در عملیات غیرممکن

■ کمدی درام «تبیه‌کاران فریبه‌دن» هر شب از شبکه تماشا پخش می‌شود

محکمه محبوب

■ مجموعه تلویزیونی آخر هفته شبکه دو سیما با بازی بهزاد خلج توانسته مردم را نسبت به مسائل حقوقی آگاه‌تر کند

وقت برخورد با یاغی‌گری فرهنگی

■ تاکید رئیس قوه قضاییه بر تخلیفات فرهنگی که در بسترهای نمایش بیشتر دیده می‌شود، خبر خوبی برای پالایش فرهنگی این سکوهاست

تاروترنج؛ جلوه‌گر شعر و نوای ایرانی

■ برنامه شبانه شبکه آموزش محفلی صمیمی و آموزشی با حضور کارشناسان برای علاقه‌مندان به ادبیات و موسیقی تدارک دیده است

غزه؛ تجلی روشنگری زینبی

■ غزه، ابعادی عاشورایی دارد و همین پویایی نهضت حسینی را با دکتر امیرعلی حسنلو، استاد حوزه و مدیر مرکز پاسخگویی به شبهات بررسی کردیم



بازخوانی چالش‌های دینداری در عصر مدرن

چاپ پنجم «دین به چه درد می‌خورد؟» اثر سیدمهدی شجاعی در ۵۶ صفحه نیم‌وزیری توسط نشر نیستان منتشر و روانه بازار کتاب شد. نسخه الکترونیکی کتاب نیز از درگاه طلایچه و کتابراه قابل دریافت است.

نام سیدمهدی شجاعی برای بسیاری از مخاطبان ادبیات به‌ویژه ادبیات با درونمایه دینی و اجتماعی در ایران شناخته شده است. شجاعی تجربه پخته‌ای در بیان عارفانه و زیبایی زندگی ائمه و نیز قلمی تند در بازخوانی انتقادی رفتارهای اجتماعی در قالب داستان کوتاه و بلند دارد. آنچنان‌که سال‌ها پس از انتشار بسیاری از کتاب‌های او در این دو دسته کماکان مخاطبانی از نسل جوان جامعه نیز سراغ این دست آثار وی رفته و از آنها بهره می‌برند.

شجاعی در این کتاب دست به تلفیقی زیبا از این دو تجربه سترگ زده است و اثری خلق کرده که نه داستان است و نه متنی عارفانه، بلکه با درونمایه‌ای از طنزی ملایم و البته با استفاده از عناصر زبانی ساده به دنبال بازخوانی استفاده‌ای از چالش‌های دینداری در عصر مدرن است.

شجاعی برای این موضوع کتاب خود را با روش اثبات معکوس شروع می‌کند و با برشمردن برخی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ساختارهای زیستی در جامعه دین‌مدار و قدم به قدم جلو آمدن و نفی کردن گزاره‌های ساده استنتاج شده از این موضوع، درباره کارکردهای واقعی دین‌مداری در زندگی اجتماعی به صحبت پرداخته است.

هنر شجاعی در این متن ترسیمی دقیق و بدون جانبداری از مختصات زندگی و زیست در دنیای پیرامونی انسان معاصر است و ترسیم مختصات و بایسته‌های آن. در ادامه وی به سراغ نقاط اصطکاک میان اندیشه دین‌مدارانه با این زندگی جدید می‌رود و سعی می‌کند با قرار دادن خود در مقام مخاطب پاسخ‌های او به سوال‌هایی که قرار است نویسنده را با اثبات پرشش محوری کتاب برساند را به شکلی منطقی و باورپذیر بازخوانی و تحلیل کند و او را به استنتاج نتیجه مطلوب خود هدایت کند.

شجاعی که پیش از این در قالب داستان و نیز متون روایی در این زمینه صحبت کرده، در این اثر جدید به ساخت و بافت تازه‌ای از متن دست پیدا کرده که حاصل آن ایجاد متنی است که نه سنگینی متون تخصصی و علمی را برای مخاطب خود به

همراه دارد و نه همانند یک متن داستانی

است که امکان ارتباط هر مخاطبی با آن

مهیا نیست. متن روایی - استنتاجی

این کتاب ابزاری است برای ارتباط

توده‌های وسیع مردم علاقه‌مند

به خوانش متنی درباره یکی از

مهم‌ترین موضوعات جاری در

زندگی شخصی و اجتماعی

آنها و البته در این میان

نویسنده هنر این را

داشته است تا در

خلق این متن زبان

و شیوه روایتی را

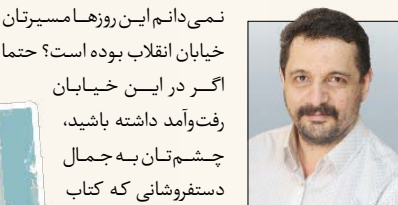
به کار ببندد که

همه‌خوان باشد.



عرضه کتاب‌هایی با عناوین شرم‌آور

بازار غیرقانونی کتاب همچنان بدون نظارت و مسئولیت‌پذیری مسئولان به کار خود ادامه می‌دهد



آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

است که این دستفروشان از محدوده معمول خود

فراتر رفته‌اند و در بیشتر خیابان‌های شهر و هرجایی که

بساط دستفروشان پهن است، آنها هم حضور دارند.

اگر به بساط آنها نگاهی انداخته باشید، شاهد آن

خواهید بود که در میان کتاب‌هایی که این دستفروشان

می‌فروشند، کتاب‌هایی وجود دارد که عنوان‌هایی رکیک

و شرم‌آور دارند. این کتاب‌ها که معمولاً کتاب‌های زرد

روان‌شناسی را شامل می‌شود، اغلب ترجمه‌هایی از

آثار مارک منسن، نویسنده آمریکایی است. منسن

فارغ‌التحصیل روابط بین‌الملل از دانشگاه

بوستون است، اما در جوانی ویلاگی ایجاد و

شروع به نوشتن توصیه‌هایی برای زندگی از نظر

خود کرد. او کم‌کم به صرافت افتاد که نوشته‌هایش

را که هیچ بار علمی و اندیشه‌ای خاصی نداشته، منتشر کند.

کتاب‌های او به سرعت در میان عامه مردم محبوب شد و او

به یکی از پرفروش‌ترین نویسندگان آمریکا براساس اعلام

نیویورک تایمز تبدیل شد.

شیوه خاص او در نوشتن، استفاده از دایره لغاتی است که

فحش و ناسزا محسوب می‌شود. او این کلمات را در عنوان

کتاب‌های خود، عنوان فصول و متن به کار گرفته و به همین

دلیل بخشی از جامعه آمریکایی که اصولاً آداب و تربیتی در بیان

کلمات رکیک ندارد، با کتاب‌های او احساس همذات‌پنداری

می‌کنند. باید توجه داشت که آثار منسن حتی در خود آمریکا

هم به دلیل تهنی بودن از بار علمی و هم به دلیل سرشار

بودن از کلمات رکیک مورد انتقاد شدید است. منتقدان او را

هزل و بد دهن لقب داده و به بی‌بنیاد بودن توصیه‌هایش

اشاره کرده‌اند.

وقتی مرجع ما نیویورک تایمز است

چندسالی است که در ایران، ناشران با به دست گرفتن

لیست پرفروش‌های ناشران به خصوص آمریکایی‌ها که



نیویورک تایمز به صورت

مرتب آن را منتشر می‌کند،

سعی دارند با ترجمه این آثار، بازار خود را رونق بدهند. البته

باید قبول کرد که در میان این لیست‌ها گاهی کتاب‌های

خوب و دارای ارزش ادبی هم وجود دارند، ولی غالب این

آثار را کتاب‌های داستانی عامه‌پسند و آثار روان‌شناسی زرد

تشکیل می‌دهند.

شاید اگر ناشران ایرانی مجبور به

رعایت کپی‌رایت بودند، این حجم

از کتاب‌های ترجمه در بازار کتاب ایران، چه رسمی و

چه غیررسمی وجود نداشت. بدون اصلاح وضعیت

در بازار رسمی کتاب نمی‌توان به اصلاح بازار غیررسمی

کتاب رسید، چراکه این دو بازار به شکل عجیبی در

هم گره خورده‌اند.

ضرورت دفاع از مجوزهای رسمی

در این میان باید به بازار پررونقی هم که در زمینه توزیع کتاب در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده، اشاره کرد. حتی اگر همه دستفروش‌های کتاب که توزیع‌کننده کتاب‌های بدون مجوز، ممنوع شده یا کتاب‌های قاچاقی هستند، جمع‌آوری شوند؛ بازاری برای کتاب‌های غیررسمی در اینستاگرام و تلگرام وجود دارد که سلامت کسب و کار در حوزه نشر را تهدید می‌کند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تنها مسئول صدور مجوز برای محصولات فرهنگی و

هنری از جمله کتاب نیست، بلکه باید از حیثیت و اعتبار مجوزهای خود هم دفاع کند.

پدیده قاچاق کتاب و معضلات فرهنگی پیرامون

پدیده‌ای به نام قاچاق کتاب، اصولاً در بازار رسمی کتاب کشور به

وجود آمده است. گروهی از ناشران مجوزدار بدون این که زحمت

ترجمه کتاب را به خود بدهند، کتاب‌های ترجمه شده و پرفروش

را با اسم مترجمان گمنام منتشر می‌کنند و آن را از طریق شبکه

غیررسمی کتاب یا از طریق فروش در پایانه‌ها و ایستگاه‌های

مترو و جذب مشتری از طریق استخدام بازاریاب‌های پاره‌وقت

و با تخفیف‌های زیاد به فروش می‌رسانند. حجم سنگین مبادله

پول در این بازار که با دراختیار گرفتن برخی چاپخانه‌ها در

تهران و شهرستان‌ها همراه شده است، باعث شده شبکه توزیع

غیررسمی کتاب به شکلی قدرت بگیرد که شبکه توزیع

رسمی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. ضمن این که

خود شبکه رسمی توزیع کتاب، هنوز به شیوه سنتی

و بدون روزآمد شدن و اصلاح براساس وضعیت جدید

بازار به کار خود ادامه می‌دهد.

برخوردهای مقطعی
جواب نمی‌دهد

سامان دادن به بازار نشر وعده‌ای است

که سال‌هاست دولت‌های مختلف

می‌دهند، اما در انجام آن ناتوان هستند.

به یاد داریم در سال‌های گذشته در

مقاطعی وزارت ارشاد سیاست برخورد با

قاچاقچیان کتاب را به صورت جدی و با

همکاری نیروی انتظامی و قوه قضاییه

شروع کرد و موفق شد چندین ابزار بزرگ

کتاب قاچاقی را کشف و ضبط کند. اما این

برخورد مقطعی بود و بار دیگر پدیده قاچاق کتاب به صحنه

آمد. از سوی دیگر با وجود همه وعده‌هایی که معاونت فرهنگی

وزارت ارشاد برای برخورد با پدیده ناشران بخته‌خوار داد، عملاً

کار چندانی در جهت اصلاح و بازتعریف شیوه‌های اعطای پروانه

نشر و مرور عملکرد ناشران مجوزدار و راستی‌آزمایی ادعاهای

آنان درباره کتاب‌های چاپ شده انجام نشد. از سوی دیگر دولت

هیچ‌گاه برای اجرای یک سیستم کپی‌رایت داخلی عزم جدی

نداشته و به همین دلیل آشفته بازار کتاب همچنان ادامه دارد

و به قول معروف هردم از این باغ بری می‌رسد.

چشم بستن روی بازاری پررونق که در آن مجوزهای وزارت ارشاد عملاً به هیچ انگاشته شده، معنای مجوزگرفتن از ارشاد را برای انتشار کتاب بی‌معنا کرده است. اگر قرار باشد ناشری، همه ایرادات میزبان اداره کتاب ارشاد را رعایت کند و سرمایه خود را معطل رفت و آمد کتاب در اداره کتاب کند، اما همان کتاب یا کتابی دیگر بدون رعایت اصول مورد اشاره و تأکید برای اخذ مجوز، چاپ شود و در کنار خیابان‌های شهر یا در صفحات فروش کتاب در شبکه‌های مجازی بدون دادن مالیات و هزینه‌های دفتر و... چاپ شود و درآمدش به جای رفتن به جیب ناشر رسمی و قانونی به جیب قاچاقچیان کتاب برود، دیگر مجوز گرفتن چه معنایی دارد؟ دولت چهارم باید برای اصلاح این وضعیت و دفاع قدرتمندانه از مجوزهای رسمی و قانونی خود، راهکاری بیابد.